

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

بحث در مسئله سیزدهم تحریر الوسیله بود که امام خمین (قدس سره) در این مسئله چهار فرع را مطرح نمود که قدر مشترك بین اینها آن است که رفتن به مکه یا متوقف است بر این که يك پولی زائد بر خرج خودش بدهد، یا قیمت‌ها بالا رفته و یا باید ملكش را به کمتر از ثمن المثل بفروشد و به حسب ظاهر يك ضرر مالی وجود دارد؛ یعنی يك ضرری فوق آن مقدار متعارف برای حج، مثلاً اگر مقدار متعارفش این است که يك میلیون باید بدهد، برای حج امسال اگر بخواهد برود باید سه میلیون بدهد.

بیان شد برخی گفته‌اند: در باب وضو روایت خاص داریم که اگر «شراء ماء الوضو باكثر من ثمن المثل»، متوقف بر این باشد که پول زیادی بدهد تا این آب را تهیه کند این واجب است، لیکن نمی‌توان از این روایت تعدی کرده و بگوییم در بقیه واجبات مالی مثل استطاعت برای حج هم باید به همین صورت باشد. نکاتی در حاشیه مرحوم آقاضیاء خواندیم. پیش از ادامه بحث استطاعت حج، بعضی از کلمات فقها در شراء آب وضو را ذکر خواهیم کرد.

دیدگاه سید یزدی (قدس سره) در «شراء ماء الوضوء»

مرحوم سید می‌فرماید: «إذا توقف تحصيل الماء على شراء الدلو أو الحبل أو نحوهما أو استيجارهما أو على شراء الماء أو اقتراضه وجب ولو بأضعاف العوض ما لم يضر بحاله»؛ مادامی که ضرری نداشته باشد و إضراری به حال او وارد نکند، مثل آن که يك آدمی است که می‌تواند دلوی را به دو برابر قیمتش بخرد یا این که آبی را به چند برابر قیمتش بخرد، اما به حال او ضرر وارد نمی‌کند. بعد می‌گوید: «و اما اذا كان مضراً بحاله فلا»؛ اگر مضراً به حال او باشد واجب نیست.

نکته شایان ذکر آن است که در باب ضرر نباید افراد را در نظر گرفته و بگوییم چون این شخص مثلاً میلیاردر است اگر يك ظرف آبی که قیمتش صد تومان است را ده هزار تومان بخرد، نسبت به او ضرر نیست؛ زیرا در باب ضرر این هم ضرر است و فرقی نمی‌کند يك آدمی غنی باشد یا غنی نباشد. این يك نکته‌ای است در عبارت مرحوم سید و تعجب این است که هیچ کس در اینجا حاشیه‌ای بر عبارت سید (قدس سره) ندارد. إضرار به حال از نظر فقهی اصلاً وجهی ندارد مگر این که مرادش اضرار به «مال» باشد و این تعبیر به «حال» تعبیر دقیقی نیست؛ زیرا «ما لم يضر بحاله»؛ یعنی حال افراد باید در نظر گرفته شود و حال آن که در باب ضرر و اضرار حال افراد ملاک نیست، بلکه در باب ضرر و اضرار اگر این جنس به اکثر از ثمن المثل باشد می‌شود ضرر، خواه این آدم ثروتمند باشد یا نباشد.

نظیر خیار غبن در معاملات که اگر خانه‌ای را فکر می‌کردید قیمتش ده میلیون است و خریدید و بعد معلوم شد حین معامله

قیمت‌ش يك ميليون است، شما مغبون می‌شوید؛ خواه شما فقیر باشید یا غنی، نمی‌گویند اگر غنی باشید مغبون نیستید و اگر غنی نیستید مغبون هستید.

نکته دیگر آن که در مورد «لاخرج» دو دیدگاه وجود دارد:

1. مشهور فقها حرج شخصی را ملاک قرار می‌دهند و در حرج شخصی مسئله افراد مطرح است، مثل آن که برای کسی رفتن به حیات در صبح و سرما و وضو گرفتن برای او حرجی است، اما برای يك کسی حرجی نیست، يك کسی بنیه‌اش قوی است و می‌تواند برود کنار حوض وضو بگیرد و يك کسی يك باد مختصری به او بخورد صد روز مریض می‌شود. بنابراین حرج به اعتبار اشخاص است.

2. حرج نوعی ملاک است که در رساله «لاخرج» گفتیم حرج نوعی نیز در بعضی موارد ملاک است، ولی در مواردی که حرج شخصی است حرج شخصی به لحاظ افراد ملاحظه می‌شود؛ یعنی می‌گوییم به لحاظ این فرد حرجی است و به لحاظ آن فرد حرجی نیست.

مرحوم سید در ادامه می‌گوید: «و أما إذا كان مضرراً بحاله فلا، كما أنه لو أمكنه اقتراض نفس الماء أو عوضه»؛ اما اگر مضر به حال او باشد واجب نیست. بله، اگر می‌تواند آب یا عوض این آب را قرض کند و مضر نیست باید قرض کند، «مع العلم أو الظن بعدم امکان الوفاء لم يجب ذلك»^[1]؛ اما اگر علم یا ظن دارد به این که اگر قرض کند و آب تهیه کند بعداً نمی‌تواند قرضش را ادا کند در این صورت واجب نیست.

دیدگاه صاحب المذهب البارع در مسئله

در اینجا در صدد بررسی آن هستیم که آیا در مسئله شراء آب وضو مسئله اجماعی است که بگوییم ولو ده برابر قیمت خودش هم باشد باز باید این آب را بخرد و با آن وضو بگیرد یا خیر؛ مثلاً يك ثروتمندی که الآن پول هم دارد آب وضوی هزار تومانی را به او صد هزار تومان می‌دهند، آیا برای او واجب است که این را بخرد و وضو بگیرد؟ با مراجعه به کتب فقها درخواهیم یافت که سه دیدگاه در این مسئله وجود دارد همان‌گونه که المذهب البارع به آن اشاره شده است:

1. «إذا كان الثمن غالباً تيمم و صَلَّى و اعاد إذا وجد الماء»؛ اگر ثمن آب زیاد بود، تيمم کرده و نماز بخواند بعد هم اگر آب پیدا کرد دوباره نمازش را اعاده کند، صيانةً للمال عن التلف كما لو خالف لُصّاً؛ يك کسی الآن می‌داند اگر مالش را اینجا بگذارد و بخواهد ده قدم آن طرف‌تر وضو بگیرد، دزد این مال را می‌برد اینجا هم واجب نیست وضو بگیرد.

2. سید مرتضی (قدس سره) می‌گوید: «يجب الشراء و إن كثر الثمن مع القدرة عليه و اطلق محتجاً برواية صفوان عن أبي الحسن (عليه السلام)»؛ همین روایتی که در جلسه گذشته از صفوان خواندیم. بنابراین سید مرتضی می‌گوید: واجب است هر مقداری هم می‌خواهد پولش باشد البته باید قدرت بر او داشته باشد.

3. قول سوم می‌گوید: «الوجوب بشرط عدم الضرر الحالی و هو مذهب الشيخ في كتبه كلها و فتوى فقهاءنا (در بعضی نسخ دارد: «فضلائنا» و فقهاء الجمهور و اختاره المصنف»^[2] که مرحوم محقق حلی است.

خلاصه اقوال آن که، قول اول این بود که اگر ثمن زیادی است، تيمم کند و بعد دوباره نمازش را اعاده کند، قول دوم سید مرتضی (قدس سره) می‌گوید: شراء به هر قیمتی واجب است، قول سوم می‌گوید: «الوجوب بشرط عدم الضرر الحالی». شاید

این عبارتی هم که سید یزدی (قدس سره) دارد: «ما لم یضر بحاله» از عبارت شیخ طوسی (قدس سره) گرفته باشد، شیخ طوسی (قدس سره) می‌گوید: «ما لم یضر فی الحال» و در تمام کتبش همین تعبیر را دارد.

دیدگاه شهید ثانی در مسأله

شهید ثانی (قدس سره) می‌گوید: «و یجب شراؤها و إن کثر الثمن مع وجوده و قيل إن زاد عن ثمن المثل لم یجب، القائل بذلك الشيخ»؛ شیخ طوسی قائل به این است که به اندازه ثمن المثل باید این کار را انجام بدهد. بعد شهید می‌گوید: «و الاصح الوجوب مطلقاً مع القدرة علیه و قیده جماعة (مثل علامه در تذکره، محقق ثانی در جامع المقاصد) بعدم الاجحاف»^[13]؛ بعضی مقید کردند که نباید اجحاف باشد.

فرق اجحاف با ضرر آن است که اجحاف به ضرر شدید می‌گویند؛ یعنی ضرر اگر شدید شد اجحاف می‌شود و به مطلق الضرر اجحاف نمی‌گویند. شهید می‌گوید علامه گفته اگر به حد اجحاف برسد واجب نیست، مثلاً یک آب صد تومانی را یک میلیون می‌گوید این اجحاف است، اما اگر یک آب صد تومانی را ده هزار تومان گفت این ضرر هست، ولی اجحاف نیست.

روایت صفوان از امام کاظم (علیه السلام)

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبُرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) [امام کاظم (علیه السلام)] عَنْ رَجُلٍ احْتَجَّ إِلَى الْوُضُوءِ لِلصَّلَاةِ وَ هُوَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ فَوَجَدَ بِقَدْرِ مَا يَتَوَضَّأُ بِهِ بِمِائَةِ دِرْهَمٍ أَوْ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ وَ هُوَ وَاجِدٌ لَهَا يَشْتَرِي وَ يَتَوَضَّأُ أَوْ يَتِيمَمُ؟ قَالَ لَا بَلْ يَشْتَرِي قَدْ أَصَابَنِي مِثْلُ ذَلِكَ فَاشْتَرَيْتُ وَ تَوَضَّأْتُ وَ مَا يَسُرُّنِي بِذَلِكَ مَالٌ كَثِيرٌ.^[14]

امام کاظم (علیه السلام) در پاسخ صفوان (که پرسید: شخصی آبی پیدا کرده به صد یا هزار برابر قیمت) حضرت فرمود: «لا» یعنی «لا یتیمم»، بلکه این آب را بخرد [و با آن وضو بگیرد]. اگر کسی بخواهد طبق ظاهر این روایت فتوا دهد همان قول سید مرتضی (قدس سره) می‌شود؛ یعنی مفروض در روایت این است که ضرر هست؛ زیرا یک آبی که مثلاً یک درهم یا ده درهم است باید صد یا هزار درهم بخرد مسلم ضرر وجود دارد، اما با این حال امام (علیه السلام) می‌فرماید: اگر واجد است باید این آب را تهیه کند و با آن وضو بگیرد.

بنابراین نمی‌توان گفت: قاعده «لا ضرر» حاکم بر این روایت است؛ زیرا مفروض در این روایت وجود ضرر است و قاعده «لا ضرر» بر مواردی که مفروضش وجود ضرر است حکومت ندارد. پس طبق قاعده حرف سید مرتضی و حرف مشهور درست است (که در باب شراء ماء الوضوء باید باکثر من ثمن المثل بخرد)، اما چرا شیخ طوسی (قدس سره) آن هم در تمام کتبش فتوا داده به این که باید به همان ثمن المثل باید تهیه کند؟ شیخ طوسی (قدس سره) نسبت به این روایت چه جوابی می‌دهد؟ این را باید در بحث کتاب التیمم تحقیقش دنبال بشود که بالأخره شیخ طوسی (قدس سره) که فتوا داده در همین جا به ثمن المثل و مازاد به ثمن المثل اعتباری ندارد این چه وجهی دارد؟

محقق حلی (قدس سره) نیز همین نظر شیخ طوسی (قدس سره) را قبول کرده و می‌گوید: «و هو الاشبه»، فاضل آبی در کشف الرموز می‌گوید: «وجه الاشبهیه الاضرار المنفی بالأصل لقوله علیه السلام لا ضرر و لا إضرار»^[15]، پاسخ فاضل آبی آن است که مفروض در این روایت این است که ضرر موجود است و جایی که مفروض ضرر هست، دیگر «لا ضرر» بر آن حکومت ندارد.

به بیان دیگر «لا ضرر» بر دو مورد حکومت ندارد:

1. مواردی که ذاتش ضرری است، مثل خمس، زکات که ذات این امور اقتضای ضرر دارد.

2. اگر در يك مواردی در بعضی از روایات مفروض گرفته شده که انسان باید متحمل ضرر بشود هر چند ذاتش هم ضرری نباشد در اینجا نیز «لاضرر» حکومت ندارد مثل همین مورد روایت که اگر آب وضو بخواهد متعارف باشد باید پنج یا ده درهم بگیرد ولی صد درهم مسلم ضرری است. اینجا باز «لاضرر» نمی‌تواند بر چنین روایاتی حکومت داشته باشد.

بررسی ذیل روایت صفوان

همان‌گونه که در جلسه گذشته گفته شد در ذیل این روایت سه نسخه وجود دارد:

1. «و ما یسرّنی بذلک مالٌ کثیر»،

2. «و ما یسوءنی بذلک مالٌ کثیر»،

3. «و ما یشتري بذلک مالٌ کثیر».

عبارت: «ما یشتري» در نسخه تهذیب هم آمده است، منتهی این نسخه غلط است؛ زیرا «و ما یشتري» یعنی نمی‌خرد در مقابل این وضو مال زیادی را، «مالٌ کثیر» فاعل «ما یشتري» باید باشد، اگر «مالاً کثیراً» بود ممکن بود بگوییم: فاعل «یشتري» خود این شخص است؛ یعنی این شخص نمی‌خرد در مقابل این آب با مال زیاد و مال زیادی نمی‌دهد (یعنی اگر برای يك آب وضو به جای ده درهم صد درهم داده مال زیادی نداده)، ولی باید به صورت منصوب باشد («مالاً کثیراً»)، اما در این روایت «مالٌ کثیر» به صورت مرفوع آمده است، مگر آن که «ما یشتري» به صورت مجهول خوانده شود که این هم يك مقداری بعید است و ظهور در همین دارد که امام (علیه السلام) راجع به این شخص يك نظری می‌دهد.

لذا شاید علت این که در نسخه بعد کردند: «یسرّنی»، همین باشد، البته «یسرّنی» هم غلط است و خیلی بعید است. بنابراین احتمال صحیح «و ما یسوءنی» است. در بعضی از کتاب‌های فقهی مثل کشف الرموز می‌گوید: «و یدل علیه روایت صفوان» و بعد که روایت را نقل می‌کند می‌گوید: «یسوءنی»، معلوم می‌شود نسخه‌هایی که از تهذیب در اختیار اینها بوده همان «یسوءنی» است و در بسیاری از کتاب‌های فقهی نیز «یسوءنی» آمده نه «و یسرّنی».

عبارت: «ما یسوءنی بذلک» یعنی مال زیاد مرا در مقابل این آب وضو ناراحت نمی‌کند؛ یعنی اگر مال زیادی دادم و آب وضو گرفتم ناراحت نمی‌شوم. بعد اگر روایت را اینطوری معنا کردیم تحلیلی که مرحوم آقاضیاء دارد از این عبارت استفاده نمی‌شود؛ زیرا تحلیل آقاضیا باید طبق این باشد که بگوییم این مال کثیر در مقابل آب وضو کثیر نیست. لذا «یسوءنی» نیز باید طبق نظر ایشان این‌گونه معنا شود. در نقل صدوق (قدس سره) به جای «یسرّنی و یشتري» دارد: «و ما یسوءنی بذلک». به هر حال به نظر می‌رسد که این «یسوءنی» درست باشد.

خلاصه آن که در باب شراء ماء الوضو اولاً مسئله اتفاقی نیست، ثانیاً «لاضرر» نسبت به مفروض آن روایت جریان ندارد، چه بسا این حرفی که در کتاب‌ها رایج است که این قاعده آبی از تخصیص است، اشتباه است و من قاعده‌ای پیدا نکردم که تخصیص نخورده باشد حتی «لاخرج» و «لاضرر»، یک مورد از تخصیص «لاضرر» همین جاست، البته مواردی که در ذاتش ضرر است می‌گوییم تخصصاً خارج است، ولی این مورد را نمی‌توانیم بگوییم تخصصاً خارج است، بلکه قابلیت تخصیص دارد منتهی باید در مورد خودش اکتفا کرد و از اینجا نمی‌شود مسئله را به مسئله استطاعت حج سرایت دهیم.

- [1] □ «(مسألة 16): إذا توقّف تحصيل الماء على شراء الدلو أو الحبل أو نحوهما أو استيجارهما أو على شراء الماء أو اقتراضه وجب و لو بأضعاف العوض ما لم يضرّ بحاله، و أمّا إذا كان مضرّاً بحاله فلا، كما أنّه لو أمكنه اقتراض نفس الماء أو عوضه مع العلم أو الظنّ بعدم إمكان الوفاء لم يجب ذلك.» العروة الوثقى (المحشى)؛ ج2، ص 169.
- [2] □ «أقول: للأصحاب هنا ثلاثة أقوال: (ألف): قال أبو علي: إذا كان الثمن غالياً، تيمّم و صلّى و أعاد إذا وجد الماء، صيانة للمال عن التلف، كما لو خاف لصاً. (ب): قال المرتضى: يجب الشراء و ان كثر الثمن مع القدرة عليه. و أطلق، محتجاً برواية صفوان عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: سألته عن رجل احتاج إلى وضوء الصلاة، و هو لا يقدر على الماء، فوجد قدر ما يتوضأ به بمائة درهم أو بألف درهم، و هو واجد لها، يشتري و يتوضأ أو يتيمّم؟ قال: بل يشتري، قد أصابني مثل هذا فاشتريت، و ما يشتري بذلك مال كثير. (ج): الوجوب بشرط عدم الضرر الحالي. و هو مذهب الشيخ في كتبه كلّها و فتوى فقهاءنا، و فقهاء الجمهور و اختاره المصنّف. و احتج على الوجوب مع عدم الضرر: بما تقدّم.» المهذب البارع في شرح المختصر النافع؛ ج1، ص: 197-198.
- [3] □ «قوله: «و يجب شراؤها و ان كثر الثمن مع وجوده و قيل: إن زاد عن ثمن المثل لم يجب.» القائل بذلك الشيخ (رحمه الله) فلم يوجب الحج على من فقد عين الزاد و الراحلة و ما يلحق بهما من الآلات و مؤونة عياله إلّا إذا وجدها بثمن المثل بحسب الزمان و المكان. و الأصح الوجوب مطلقاً مع القدرة، و قيده جماعة بعدم الإجحاف.» مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ ج2، ص: 131.
- [4] □ الكافي 3-74-17؛ وسائل الشيعة؛ ج3، ص: 389، ح 3948-1.
- [5] □ كشف الرموز في شرح مختصر النافع، ج1، ص: 97.